

حقوق حیوان‌ها در سیره و سخن پیامبر اعظم ﷺ و مقایسه آن با حقوق بشر در غرب

علی احمدی خواه *

چکیده

پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ درباره رعایت حقوق جانداران، اعم از انسان‌ها و حیوان‌ها دستورات و قوانینی مقرر فرموده‌اند. این قوانین و مقررات که در ۱۴۰۰ سال پیش، وضع شده، نشان دهنده توجه اسلام به حقوق تمام جانداران است. در این نوشتار، حقوق حیوان‌ها از دیدگاه رسول گرامی اسلام بررسی می‌شود. یکی از نتایج این بحث آن است که وقتی پیامبر اعظم ﷺ به حقوق حیوانات توجه کرده‌اند، به طور مسلم به حقوق انسان‌ها نیز توجه داشته‌اند. بنابراین، نسبت‌هایی که گروهی از غربی‌ها در حال حاضر به وی می‌دهند، نسبتی نادرست و نارواست.

واژگان کلیدی: رأفت، رحم، مدارا، حقوق حیوان‌ها، شکار، سیره و سخن پیامبر.

مقدمه

هم اکنون، دولت‌های غربی و اروپایی، یعنی همان مدعیان حقوق بشر و آزادی، به

* کارشناس جامعه‌شناسی.

بِهائۀ آزادی، ادب و آداب را از کشور خویش دور کرده‌اند. آن‌ها در دو دههٔ گذشته، به جمعی از مقدسات مسیحیان و مسلمانان، یعنی حضرت مریم و حضرت عیسی و حضرت جبرئیل و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله جسارت کردند که امام خمینی رحمته الله علیه نویسندهٔ آن مطالب را مرتد دانست و آن فتوای تاریخی را صادر نمود.

در این روزگار، مدعیان منطق و ترقی، در اقدامی هماهنگ و وقیحانه به کاری برخلاف خرد و ادب دست زدند. آن‌ها بر خلاف تمام اسناد درست - نه اسناد صهیونیستی و اسرائیلیات مجعول - بر ضد پیامبر اسلام، قلم و قدم زدند؛ یعنی در واقع بر ضد تمام انبیا، چنین کاری را کردند.

مدعیان آزادی در روزنامه‌های خودشان، کاریکاتور پیامبر را در نهایت تحریف و تخریب کشیدند تا به این وسیله او را «تروریست» معرفی نمایند! وقیحانه‌تر این‌که، سعی کرده‌اند که این مطلب را در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش خود و مستعمرانشان بگنجانند تا این تهمت و تخریب را به باور و عقیده‌ای برای آیندگان مبدل کنند، همان طور که افسانهٔ «هولوکاست» را به یک اعتقاد مقدس تبدیل کردند، اما بی‌خبر از آنند که این پیامبر، چراغی است که ایزد آن را برافروخته و قابل خاموش کردن نیست؛ این دین رحمت بر تمام ادعاها غالب می‌شود، هر چند که مشرکان و کافران، کراهت داشته باشند.

مقالهٔ حاضر که در حقیقت، دربارهٔ رأفت و رحمت پیامبر اسلام است، پاسخی است به شبهه‌ای که امروز مطرح می‌شود.

مخفی نماند وقتی که می‌گوییم در مکتب اسلام، حیوان‌ها حقوقی دارند؛ از آن طرف برای انسان‌ها نیز باید تکالیفی را بپذیریم؛ یعنی اگر انسان‌ها در رعایت حقوق حیوان‌ها کوتاهی ورزند، معصیت کارند و در روز قیامت، مجازات می‌شوند، حتی در برخی موارد در همین جهان از آن‌ها سؤال خواهد شد. برای نمونه، طبق فقه اسلامی (شیعه)، در صورتی که مالک هر حیوانی به تأمین نیازمندی‌های آن اقدام نکند، بر حاکم لازم است که او را به این وظیفه اجبار کند و در صورت عدم توانایی شخص، باید افراد دیگر به این وظیفه اقدام نمایند و حیات آن حیوان را حفظ کنند.^۱

۱. محدث نوری، «جامعیت اسلام»، چاپ شده در مجموعه مقالات خاتم پیامبران، ص ۵۵ - ۵۶.

حقوق حیوانات در کتاب و سنت پیامبر اسلام ﷺ

حقوق حیوانات در کتاب پیامبر اسلام ﷺ

مکتب پیامبر اسلام ﷺ، دو بخش دارد: یکی کتاب (قرآن مجید) و دیگری سنت (گفتار و رفتار عملی) پیامبر خاتم. در این مکتب، دربارهٔ حیات موجودات زنده و برآوردن نیازهای حیاتی آن‌ها سفارش‌های ویژه‌ای شده است. خداوند سبحان، خودش فراهم کردن روزی آن‌ها را بر عهده گرفته، و در قرآن مجید، تمام جنبندگان، پرندگان و چرندگان را «امت»‌هایی مانند جوامع انسانی دانسته و فرموده است:

(۳۹)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أُمَّتُكُمْ مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ^۱ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر این که امت‌هایی مانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند.

در آیه دیگری به فراهم کردن نیازهای ضروری و احتیاج‌های حیاتی حیوانات اشاره کرده و آن را در کنار انسان‌ها ذکر نموده و فرموده است:

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِنَّا كَافِرُونَ^۲ چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند، او و شما را روزی می‌دهد؛ و او شنوا و داناست.

در کتاب این رسول رحمت ﷺ، هرگونه آزار و اذیت کردن حیوانات، مانند بریدن گوش و دم و... کاری زشت و شیطانی شمرده شده است:

وَلَا ضِلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّيْنَهُمْ وَلَا تَمْرُنَهُمْ فَلَيُبْتَلَنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا أَمْرُنَهُمْ فَلَيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا^۳ و آنان را گمراه می‌کنم، و به آرزوها سرگرم می‌سازم، و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (و فطرت توحید را به شرک بیالایند)، و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

در این سه آیه، به سه نکته بسیار مهم و حیاتی اشاره شده است:

۱. انعام (۶) آیه ۳۸.

۲. عنکبوت (۲۹) آیه ۶۰.

۳. نساء (۴) آیه ۱۱۹، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

نخست، آن که تمام موجودات، مانند انسان نظام اجتماعی دارند. البته با عنایت به تفاوت‌های ذاتی انسان و حیوان، ساختار اجتماعی آنان نیز با هم فرق دارد، اما با وجود این فرق، حیوان‌ها نیز جوامع حیوانی دارند؛

دوم، این که روزی و رزق هر دو (انسان و حیوان) بر عهده خدا می‌باشد، چنان که تصریح شده است: «الله یرزقها و ایتام». بنابراین، کتاب خدا و معجزه جاوید پیامبر اعظم ﷺ عنایت ویژه‌ای به نیازهای حیاتی حیوانات دارد، به گونه‌ای که آن را در کنار نیازهای حیاتی بشر آورده است؛

سوم، این که مثله کردن و بریدن اعضای حیوانات را، کاری شیطنی شمرده است و از آزار و اذیت حیوان به عنوان کاری شیطنی و وعده‌ای ابلیسی نام برده و از آن به عنوان خسارتی بزرگ یاد نموده است. برای فهم این آیات به تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی رحمته الله علیه مراجعه شود.

سیره و سخن (سنت) پیامبر اسلام ﷺ در دفاع از حیوان‌ها

بخشی از دستورات مکتب اسلام را درباره حقوق حیوان‌ها از قول قرآن مجید بیان شد، اکنون بخش دیگری از دستورات، گفتار و رفتار رسول خدا (بنیان‌گذار اسلام) را درباره رعایت حقوق حیوان‌ها بیان می‌کنیم.

نهی از آزار دادن و بیهوده کشتن حیوانات

پیامبر اعظم ﷺ به مناسبت‌های مختلف، سخنان متعددی در مورد حقوق حیوان‌ها و اذیت نکردن آن‌ها فرموده است که در ذیل به بیان گوشه‌ای از آن‌ها می‌پردازیم.

- اگر کسی گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت در پیشگاه خدا فریاد می‌زند و می‌گوید: فلانی مرا بیهوده کشت بدون آن که از این کشتن، سودی ببرد! و نگذاشت که من از حشرات زمین، استفاده نمایم و چیزی بخورم!

۱. قال ﷺ: «مَنْ قَتَلَ عَصْفوراً عبثاً، جاء يوم القيامة يعرج الى الله تعالى يقول: يا رب انى هذا قتلتى عبتاً لم ينتفع بي ولم يدعنى فاكل من حشارة الارض» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۴ و ج ۶۱، ص ۲۷۰ و ۳۰۶ و نیز ر.ک: کمال الدین دُمیرئی، حیاة الحیوان، ج ۲، ص ۱۱۸ و علاء‌الدین متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۳۹۹۷۱ به نقل از: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۴۸، ح ۴۵۳۷.

هر کس گنجشکی را بدون رعایت حق آن بکشد، خدای تعالی در روز قیامت از او بازخواست کند. سؤال شد که ای رسول خدا! حق گنجشک چیست؟ فرمود: این که او را ذبح کند، نه این که گردنش را بکند.^۱
 - هر حیوانی - پرنده یا غیر پرنده - که به ناحق کشته شود، روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.^۲

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 در دوزخ، زنی را دیدم که گریه اش از هر طرف او را گاز می گیرد، علتش این بود که آن زن - در دنیا - این حیوان را بسته بود، بدون آن که غذایی به او بدهد یا آزادش نماید تا خودش حیوانی را شکار کند.^۳

(۴۱)

در روایات دیگری، از عذاب آتشین آن زن خبر داده و فرموده است:

زنی به خاطر رفتار با یک گریه، مستوجب آتش دوزخ شد و عذاب گردید، چون گریه ای را بسته بود و او را آزاد نمی کرد تا برای خودش غذایی پیدا کند، به این دلیل، از گرسنگی مرده بود.^۴

ابن عباس می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن هر جاندارى نهی فرمود؛ مگر آن که آزار برساند.^۵

رسول رحمت، نه تنها از کشتن جانداران منع می کرد، بلکه دستور می داد که شبان گاهان مواظب باشند تا مبادا موجود ریز و حشره کوچکی، حتی به طور نادانسته و غیر عمدی، زیر پا از بین برود. فرموده آن پیامبر اعظم در این باره چنین است:

۱. قال صلی الله علیه و آله: «ما من انسان یقتل عصفوراً فما فوقها بغير حقها الا سألته الله عنها. قيل يا رسول الله و ما حقها؟ قال: ان يذبحها فيأكلها و أن لا يقطع رأسها و يرمى به» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۳۰۶ و کمال الدین دُمیرئی، همان، ج ۲، ص ۱۲۰).

۲. «ما من دابة - طائر و لا غيره - يقتل بغير الحق الا استخاصمه يوم القيامة» (محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۳۶).

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «... و رأيت في النار صاحبة الهرة تنهشها مقبلة و مدبرة، كانت أوتقها لم تكن تطعمها و لم ترسلها تأكل من حشاش الارض» (راوندی، نوادر، ص ۲۸ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۶۸، ذیل ح ۳۰ و ج ۶۵، ص ۶۵، ح ۲۴ و محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۳۳ و نیز ر.ک: کمال الدین دُمیرئی، همان، ج ۲، ص ۲۵۱).

۴. ر.ک: کمال الدین دُمیرئی، همان، ج ۲، ص ۳۸۲ و محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۳۳.

۵. «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن قتل كل ذی روح الا أن يؤذى» (متقی هندی، همان، حدیث ۳۹۹۸۱ به نقل از: محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۸، ح ۴۵۳۹).

چون پاسی از شب بگذرد، کمتر بیرون بروید، زیرا برای خداوند، چسندگان (و موجوداتی) است که در آن ساعت آن‌ها را در زمین می‌پراکند.^۱

انس بن مالک (خادم آن جناب) می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: «مورچه را نکشید!»^۲ هم چنین در روایت معتبری نقل شده است که: پیامبر اعظم، نهی فرمود از این‌که آن‌چه را مورچه با دست و دهان حمل می‌کند، بخورند.^۳

مالک بن انس نوشته است که پیامبر ﷺ با این‌که کشتن زنبور را جایز می‌دانست، اما دوست نداشت که لانه آن‌ها را با آتش بسوزانند.^۴ باز آن رسول رحمت ﷺ از آزار و شکنجه حیوان با آتش نهی نمود و فرمود:

هیچ کس نمی‌تواند با آتش، دیگری را شکنجه و عذاب نماید، مگر خدا. بنابراین، سوزاندن حیوان با آتش جایز نیست.^۵

طبق نوشته نسائی و احمد، یک نفر پزشک در محضر رسول خدا ﷺ از قورباغه و استفاده دارویی از آن سخن به میان آورد. آن حضرت ﷺ بی‌درنگ، آن پزشک را از کشتن قورباغه نهی فرمود.^۶ هم چنین آن جناب، شکار کردن را دوست نداشت و می‌فرمود: هر کسی به دنبال شکار رود از امور اخروی، غافل می‌گردد.^۷ طبق روایت

۱. تیسیر الوصول الی جامع الاصول، ج ۴، ص ۳۸۸، به نقل از: خاتم النبیین، ص ۴۸۷.

۲. قال ﷺ: «لا تقتلوا النمل!» در روایت دیگری فرمود: «لا تقتلوا النملة» (کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۴۷ و ۳۹۷ و نیز ر.ک: مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۴۴ و ۲۹۱).

۳. ابی عبدالله علی‌علیه السلام قال: نهی رسول الله ﷺ أن یؤکل ما تحمله النملة بفيها و قوائمه» (تهذیب الاحکام و حیاة الحیوان، ج ۲، ص ۲۶۷ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۶۱، ح ۱۲ و کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۷۰).

۴. مالک بن انس «... کان رسول الله ﷺ یکره احراق بیوتها بالنار» (کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۱۰).

۵. «فأن النبی ﷺ قد نهی عن تعذیب الحیوان بالنار و قال: «لا یعذب بالنار الا الله تعالی»؛ فلا یحوز احراق الحیوان بالنار...» و فی مناهی النبی أنه نهی أن یحرق شیء من الحیوان بالنار» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۴۴؛ مجالس الصدوق، ص ۲۵۴ - ۲۵۵؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ص ۲۶۷، ح ۲۴).

۶. «أن طبیباً ذکر ضفدعاً فی دواء عند رسول الله ﷺ نهی رسول الله، عن قتلها» (به نقل از: شمس الدین محمد جوزیه، الطب النبوی، ص ۱۲۲ و ۲۵۹) نویسنده کتاب قانون نوشته است: کسی که از خون یا گوشت قورباغه به عنوان دارو یا هر عنوان دیگری بخورد، بدنش ورم می‌نماید و رنگش تغییر می‌کند و منی او بدون اختیار خارج می‌شود تا این‌که بر اثر همین عوارض می‌میرد به همین دلیل طبیبان، استعمالش را ترک کرده‌اند (به نقل از: همان، ص ۲۵۹ - ۲۶۰).

۷. علامه مجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۲۸۱، ح ۲۹.

دیگری، آن رسول مهربان ﷺ هرگز صید نکرد و به این کار نیز امر نفرمود.^۱ روایت دیگری نیز حاکی است که رسول خدا ﷺ از اذیت (کشتن) حیوان‌ها نهی فرمود، مگر آن که (حیوان حلال گوشت و) برای خوردن باشد.^۲

شداد بن اوس می‌گوید که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: خداوند، بر همه چیز احسان نوشته است؛ چون ذبح کنید، نیکو ذبح نمایید، کارد را تیز کنید و ذبیحه را زود راحت کنید.^۳

آن رسول رحمت ﷺ، شخصی را دید که گوسفندی را خوابانیده و در حالی که پا بر گلوی او نهاده، کارد را تیز می‌نماید و گوسفند به او نگاه می‌کند. حضرت به آن شخص فرمود: «می‌خواهی او را ذبح کنی یا دو بار او را بمیرانی؟!»^۴

پیامبر اسلام، یک اعرابی را دید که با عصا گوسفندان خود را می‌زد، فرمود: «او را بیاورید؛ اما او را نترسانید!» وقتی که او را آوردند، به او فرمود: «گوسفندان را با عصا مزن، بلکه به رفق و نرمی، آن‌ها را پیش و پس کن.»^۵

فردی می‌خواست که حیوانش را بگیرد؛ چون حیوان با نشان دادن یک کاسه یا دامن صاحبش برای خوردن جو یا نمک، شرطی شده بود، صاحب حیوان با دست خالی و بدون جو یا نمک، چنان کرد و میچ حیوان را گرفت. حضرت پیامبر اعظم ﷺ که این صحنه را تماشا می‌کرد، ناراحت شد و فرمود: «چرا به این حیوان دروغ گفתי؟! نباید او را فریب می‌دادی!»^۶

در یکی از جنگ‌ها وقتی زن یکی از انصار اسیر شده بود و موفق شد با شتری از

۱. شعرانی، منح المنة فی التلبس بالنسنة، ص ۳۳ به نقل از: سید محمد عبدالحی کتانی، نظام الحكومة النبوية (المسمى التراتیب الادارية)، تحقیق عبدالله خالدی، ج ۲، ص ۶۶.

۲. نهی ﷺ عن تعذیب الحيوان الا لما اكله (کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۶۳).

۳. «ان الله كتب عليكم الاحسان في كل شيء؛ فاذا قتلتم، فأحسنوا القتل؛ و اذا ذبحتم، فأحسنوا الذبحة وليحد أحدكم شفرته و ليرح ذبيحته» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۳۱۵. «و فی روایة اخرى نهی النبى - صلى الله عليه و آله - عن ذبح الحيوان الا لأكله» (همان، ج ۶۴، ص ۸).

۴. «عن ابن عباس، انه قال: مر رسول الله ﷺ على رجل راضع رجله على صفحة شاة و هو يحد شفرته و هي تلحظ اليه يبصرها. قال ﷺ: أفلا قتل هذا أو يريد أن يميتها موتتين» (نورالدين هيثمي، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، ص ۳۳).

۵. ابن اثير، اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۳۶ به نقل از: خاتم النبیین، ص ۴۸۵.

۶. جوادی آملی، به نقل از: سایت بازتاب (دی ماه ۱۳۸۴).

شتران پیامبر ﷺ از محل اسارت بگریزد، چون خود را به مدینه رساند و خدمت پیامبر ﷺ رسید، گفت: نذر کرده‌ام اگر نجات یافتم، شتر را قربانی کنم. پیغمبر فرمود:

چه بد پاداشی به شتر داده‌ای! تو را حمل کرده و نجات داده، آن گاه تو می‌خواهی آن را نحر کنی؟! بدان که نذر در آن جا که معصیت خداوند است و یا تو مالک آن حیوان - و چیز نذر شده - نیستی، درست نیست و منعقد نمی‌شود.^۱

موسی بن جعفر به نقل از پدران بزرگوارش علیهم‌السلام می‌فرماید که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از کنار گروهی عبور کرد. آن گروه، مرغ زنده‌ای را در یک جای بلندی بسته بودند و با تیر و کمان به آن تیراندازی می‌کردند! آن رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا این صحنه را مشاهده کرد، فرمود: اینان، کیانند؟! خدا لعنتشان کند!^۲

رسول رحمت، حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه تنها از اسیر کردن انسانی راضی نبود، بلکه در بند کردن و اسیر نمودن حیوانی را هم نمی‌پسندید و از این کار بر حذر می‌داشت و فرمود:

هیچ خانواده‌ای نیست که سگی را ببندد و نگهدارد [اسیر نماید]، مگر آن که هر روز از عمل ایشان، قیراطی (مقداری) کم شود، به جز سگِ موذی، سگ شکاری، سگ حافظِ زراعت یا حافظِ گوسفند [و در روایت دیگر] و سگ نگهبان خانه.^۳

ناگفته نماند که از بین بردن حیوانِ موذی، جایز است. یکی از موذیان، سگ هار و ولگرد است، اما از دیدگاه اسلام، در همین موارد نیز جایز نیست که سگ هار و ولگرد را حبس کنند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد، بلکه باید آن را به طور خاصی از بین ببرند. نکتهٔ دیگر، این که در اسلام، کشتن سگ‌ها نیز دیه دارد، به گونه‌ای که خون‌بهای سگ شکاری، چهل درهم و سگ نگهبان، بیست درهم تعیین شده است.^۴

۱. احمد بیهقی، السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۷۵.

۲. «موسی بن جعفر عن آبائه علیهم‌السلام قال: مرّ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی قوم نصبوا دجاجة حية و هم یرمونها بالنبل؛ فقال: من هؤلاء (۱۹) لعنهم الله!» (نوادیر اوندی، ص ۴۳ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۶۸، ح ۳۰).

۳. «روی عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انه قال: من أمسک کلباً نقص من عمله کل یوم قیراط؛ الا کلب ضار، او حرث، او ماشیه» در برخی روایات آمده است: «نقص... قیراطان» (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۶۷؛ مستند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۸، ۳۷ و ۶۰ (الاکلب الضار)، ۱۰۱، ۱۱۳ (قیراطان) و... و عوالی الثالی، ج ۳، ص ۴۵۲).

۴. ر. ک: شیخ صدوق، المقنع، ص ۵۳۴.

گزارش مورخان حاکی است که آن رسول رحمت ﷺ هنگامی که با سپاه اسلام برای فتح مکه می رفت سگی را دید که بر بچه هایش زوزه می کشید و آنان شیرش را می خوردند. به جُعَیْل بن سُرَاقه فرمود که کنار (و جلو) آن حیوان بایستد و از او مراقبت نماید تا مبادا سپاهیان که از آن جا می گذرند به او و بچه هایش، آسیبی برسانند.^۱

نفرین رسول، بر مُثله کنندگان حیوان ها!

پیامبر اعظم ﷺ، دوست نداشت که حتی گوش و دُم یک حیوان را ببرند یا آن را اخته کنند، چه رسد به کشتن حیوان! طبق حدیثی، رسول رحمت فرمود: لعنت خدا بر کسی که حیوان ها را مُثله نماید.^۲ در روایت دیگری آن جناب از اخته کردن اسب ها نهی فرموده است.^۳

(۴۵)

سوق حیوان ها در سیره و سخن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

پاداش نیکویی به حیوانات از دیدگاه پیامبر ﷺ

از رسول اعظم ﷺ نقل شده است که فرمود: زنی بدکاره، سگ تشنه ای را دید که بر سر چاهی له له می زند و چیزی نمانده بود که از تشنگی هلاک شود. آن زن کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله آن از چاه آب کشید و سگ را سیراب کرد. خداوند به خاطر احسان به این حیوان، گناهان او را آمرزید.^۴

طبق روایت دیگری آن جناب فرمود:

زنی تشنه از راهی می گذشت، چاهی دید. داخل آن شد، آب نوشیده و بیرون آمد. در کنار چاه، سگی را دید که از تشنگی له له می زد. با خود گفت: حال این سگ، چون

۱. «لما سار رسول الله ﷺ... نظر الی کلبه تهر عن اولادها و هن حولها و یرضعنها، فأمر جُعَیْل بن سُرَاقه أن یقوم هذاهما فلا یرعرض لهما أحد من العیش ولا لأولادها» (محمد بن یوسف صالحی شامی، سبیل الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۵، ۲۱۲ و ج ۷، ص ۲۹).

۲. قال ﷺ: «لعن الله من مثل بالحيوان» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۶، حدیث ۲۴۹۷۱ به نقل از: محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۲۲) و نیز «قال ﷺ: لعن الله من یمثل بالبهائم» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۷، حدیث ۲۴۹۸۵).

۳. «نهی ﷺ عن خصاء الخیل و البهائم» (همان، ج ۹، ص ۶۶، حدیث ۲۴۹۷۷).

۴. محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۳۲، کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۷۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۵۹ و علامه مجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۶۵، ذیل ح ۲۴.

حال من است. به داخل چاه برگشت، کفش خود را پر آب کرد و به دهان سگ گرفت تا سیراب شد. خداوند به سبب این عمل، او را آمرزید.

در روایت دیگری آمده است که از رسول خدا ﷺ سؤال شد که آیا خوبی کردن به حیوانات، پاداش دارد؟ فرمود: «آری! برای خنک کردن هر صاحب جگر تشنه‌ای، اجری است»^۱.
نوشته‌اند که پیامبر اسلام هنگامی که وضو می‌گرفت، گربه‌ای نزد او آمد، پیغمبر دانست که آن حیوان تشنه است، ظرف آب را به طرفش برد و گربه آب نوشید، سپس ایشان نیز وضو گرفت.^۲

منع از دوشیدن تمام شیر حیوانات

آن جناب می‌فرمودند که حمایت از هر جانداری، نزد خدا پاداشی دارد و سفارش می‌کردند که حیوان‌ها را زیاد ندوشند و برای بچه‌های آن‌ها چیزی باقی بگذارند، پالان را در جای خود قرار دهند، دهنه تیز به دهان حیوان نزنند، زیاد آن‌ها را بار نکنند و جای مرکب و زیر پای حیوان‌ها تر نباشد.^۳

یکی از همراهان پیامبر اسلام می‌گوید: رسول خدا ﷺ گوسفند را دوست داشت. یک روز گوسفندی وارد منزل شد و یک قرص نان را که نزدیک ما بود، برداشت و فرار کرد. فوری برخاستم و به دنبالش دویدم و آن را گرفته و نان را از دهانش برگرفتم.

وقتی آن رسول رحمت ﷺ این حرکت را از من دید، فرمودند: کار شایسته‌ای

۱. «روی مسلم أن النبي ﷺ قال: «بينما امرأة تمشي بفلاة من الأرض اشتد عليها العطش فنزلت بشر فشربت ثم صعدت فوجدت كلباً يأكل الثرى من العطش؛ فقالت لقد بلغ بهذا الكلب مثل الذي بلغ بي! ثم نزلت البئر، فملأت خفها وأمسكها بفيها ثم صعدت فسقته؛ فشكر الله لها ذلك وغفر لها». قالوا: يا رسول الله أَوْلنا في البهائم أجر؟ قال ﷺ: نعم في كل كبد رطبة أجر». (كمال الدين دُميرى، همان، ج ۲، ص ۳۷۸؛ مجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۶۵، ذیل ح ۲۴؛ و نیز ر.ک: محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۳۲؛ و نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۵۹).

۲. «قال علي بن أبي طالب: بينا رسول الله ﷺ يتوضأ إذ لاذبه هز البيت، و عرف رسول الله ﷺ أنه عطشان؛ فأصغى إليه الإناء حتى شرب منه الهز و توضأ بفضلته (كمال الدين دُميرى، همان، ج ۲، ص ۳۸۴ و مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۲۹۳، ح ۱۶۰).

۳. سید محمد عبدالحی کتانی، نظام الحکومة النبویة، ج ۲، ص ۱۵۵ به نقل از: خاتم النبیین، ص ۴۸۳.

نکردی؛ درست نبود که پشت گردن این حیوان را بگیری و بر او فشار بیاوری تا آن قرص نان را از دهانش برگیری!^۱

یکی از یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می گوید: یک شتر شیرده را به رسول خدا هدیه کردند. ایشان، مرا امر فرمود تا آن را بدوشم. من نیز آن را دوشیدم؛ البته برای دوشیدن آن، بسیار تلاش کردم و سخت آن را دوشیدم، به گونه ای که وقتی آن جناب زیاده روی مرا در دوشیدن دید، فرمود: این گونه ندوش! برای بچه او نیز سهمی بگذار.^۲

(۴۷)

منع از شکار شبانه پرند و جوجه هایش و نهی از حمله به آن ها در وقت خواب

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: شبانگهان جوجه را از آشیانه اش بیرون نیاورید، و پرند را هنگام خوابش برای سر بردن، از لانه بیرون نیاورید تا صبح شود. مردی سؤال کرد که هنگام خوابش چه وقتی است؟ آن حضرت فرمود: شب، هنگام خواب اوست. بنابراین، شبانه به سراغش نروید تا صبح شود. و همین طور بچه های کوچک پرندگان را که هنوز پر در نیاورده و نمی توانند پرواز نمایند، از لانه شان در نیاورید و شکار نکنید! بگذارید تا هر زمان که قدرت پرواز پیدا کردند، آن وقت تیر و کمانتان را برای شکار آن ها بردارید.^۳

۱. «قال (راوی)... فدخلت شاة فأخذت قرصاً تحت دن لنا، فممت إليها فأخذتها من بين لحييها فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ما كان ينبغي لك أن تعقبها» أي تأخذي بعنقها و تعصريها (كمال الدين دُميرى، همان، ج ۲، ص ۴۴).

۲. «أهديت الى النبي صلی الله علیه و آله لقحة فأمرني أن أحلبها فحلبتها فجهدت حلبها؛ فقال صلی الله علیه و آله: «لا تفعل! دع داعي اللين» (كمال الدين دُميرى، همان، ج ۲، ص ۳۱۸). «أن رجلاً حلب عند النبي صلی الله علیه و آله ناقةً، فقال النبي - صلى الله عليه وآله - دع داعي اللين» (معاني الاخبار، ص ۲۸۴ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۴۹، ح ۱ و ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۹).

۳. «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تأتوا الفراعخ في أعشائها ولا الطير في منامها حتى يصبح. فقال له رجل: ما منامه يا رسول الله؟

قال صلی الله علیه و آله: الليل، منامه؛ فلا نظره في منامه حتى يصبح؛ ولا تأتوا الفراعخ في عُنْه حتى يریش و يطير؛ فإذا طار، فاورتر له فوسك و انصب له فخك». أيضاً أنه قال: «نهى رسول الله صلی الله علیه و آله عن بيات (اتيان) الطير بالليل و قال: إنَّ الليل، أمانٌ لها» (كليني، الفروع من الكافي، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۲ و ۳؛ حر عاملی، وسائل الشيعه، ج ۱۶، ص ۲۳۹ - ۲۴۰، باب ۲۸، ح ۱ و ۲).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: در میان اقوام گذشته، مردی لانه پرنده‌ای را پیدا کرده بود و هرگاه آن پرنده، جوجه‌دار می‌شد آن‌ها را می‌گرفت و می‌برد. آن پرنده (مادر) از کاری که بر سرش می‌آمد، به خدای تعالی شکایت کرد؛ خدای متعال به او الهام نمود که اگر آن مرد برگشت، او را هلاک خواهم کرد.^۱

ابن مسعود می‌گوید: نزد رسول خدا بودیم که مردی وارد جنگلی شده و تخم پرنده‌ای را با خود آورد. پرنده مادر به دنبال ما آمده، برگردد ما می‌چرخید و بال بال می‌زد. وقتی که پیامبر این صحنه را دید، فرمود:

کدام یک از شما، این پرنده را آورده و مصیبت زده کرده است؟ مرد گفت: من تخم یا جوجه او را برداشتم. حضرت فرمود: به او رحم کنید و آن را به او رد نمایید! به او رد نمایید!^۲

هم چنین در همین زمان، مشاهده فرمود که لانه موری را آتش زده‌اند، فرمود:
چه کسی این لانه را آتش زده؟! سزاوار نیست که به آتش عذاب دهد، مگر پروردگار آتش.^۳

در روایت دیگری از عامر الرام نقل شده که گفته است: در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که در این هنگام مردی عبا به دوش آمد، در حالی که چیزی در دست داشت و آن را در گوشه عبایش پیچیده بود. آن مرد گفت: ای رسول خدا! چون شما را از دور دیدم، به طرف تان آمدم. در مسیر، از کنار چند درخت انبوه گذشتم که صدای جوجه‌های پرنده از آن می‌آمد. رفتم آن‌ها را گرفتم و در لای عبایم گذاشتم. وقتی چنین کردم، مادرشان آمد و بر دور سر من می‌چرخید؛ من هم لای عبا را برایش باز کردم و او نیز روی جوجه هایش افتاد، من هم عبا را پیچیده و همه آن‌ها را با هم آوردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن‌ها را بر زمین بگذار! آن‌ها را بر زمین گذاشتم، اما دیدم

۱. «قال صلی الله علیه و آله: کان فیمن قبلکم، رجل یأتی وکر طائر؛ کلما أفرخ، أخذ فراخه. فشکی ذالک الطائر الی الله تعالی ما یفعل به؛ فأوحی الله تعالی الیه ان عاد، فسأهلکه» (کمال الدین دمیتری، همان، ج ۲، ص ۲۰۸).
۲. «ابن مسعود قال: کنا عند النبی صلی الله علیه و آله، فدخل رجل غیضة فأخرج منها بیضة حُمرة. فجاءت الحُمرة ترف علی - رأس - رسول الله و اصحابه؛ فقال صلی الله علیه و آله لأصحابه: أیکم فجع هذه؟ فقال رجل: یا رسول الله أخذت بیضها - و فی روایة، أخذت فرخها - فقال صلی الله علیه و آله: و زده! زده! رحمة لها» (کمال الدین دمیتری، همان، ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۲، به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۷۱، ۷۲ و ۳۰۷).
۳. همان.

که مادرشان از آن‌ها جدا نمی‌شود و فرار نمی‌کند! رسول خدا به همراهانش فرمود: «آیا از رأفت یک مادر جوچه برای جوچه‌هایش، تعجب می‌کنید؟» گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: «قسم به آن کسی که مرا به حق نبی مبعوث نمود، خدا به بندگانش مهربان‌تر است از مادر این جوچه‌ها به بیچه‌هایش! ای مرد، آن‌ها را به همان جایی برگردان که آورده‌ای!» من هم آن‌ها را برگرداندم...^۱

حقوق حیوان‌های سواری بر صاحبشان

(۴۹)

در روایت معتبر آمده است که چارپایان سواری، بر صاحبان‌شان حقوقی دارند، از جمله: وقتی پیاده شد، برای او علف بگذارد؛ هر وقت از آبی عبور کرد، درنگ کند و آب را به او نشان دهد؛ به صورتش نزند، زیرا تسبیح پروردگار می‌گوید؛ پشت او را چون مجلس و مبلمان و جایگاه - برای سخنرانی - نکند؛ مگر در راه خدا؛ بیش از طاقت و توان، بارش نکند؛ و بیش از قدرت و طاقت، از او سواری نگیرد و نخواهد.^۲

طبق روایت انس، پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: بر مالک چارپایان واجب است به دلیل حرمت روحی که در حیوان است به آن‌ها آب و علف بدهند.^۳

هم چنین نقل شده است که پیامبر اعظم ﷺ درباره اسب‌ها فرمود: بر پیشانی

۱. «فی أوّل کتاب جنائز من حدیث عامر الرام... قال بینما نحن عند رسول الله ﷺ اذا أقبل رجل علیه كساء و فی یده شیء قد لف علیه طرف كسائه فقال: یا رسول الله انی لما رأیتك أقبلتک فمررت بغیضة شجر فسمعت فیها أصوات فراخ طائر فأخذتھن فوضعتھن فی كسائی؛ فجاءت أمھن فاستدارت علی رأسی فكشفت لها عنھن فوفعت علیھن، فلففتھا معھن وھا من فیہ معی؛ فقال رسول الله ﷺ: ضمعن عنك، فوضعتھن و أبت أمھن الا لزومھن. فقال النبی لأصحابه: أتعجبون لرحمة ام الفراخ فراخھا؟ قالوا: نعم یا رسول اللہ قال ﷺ: فوالذی بعثنی بالحق نبیاً، اللہ أرحم بعبادہ من أم هؤلاء الافراخ بفراخھا! ارجع بہن حتی تضعھن من حیث أخذتھن؛ فرجع بہن و أمھن ترفرف علیھن».

۲. «علی بن ابی طالب علیہ السلام قال: قال رسول اللہ ﷺ للدابة علی صاحبھا، خصال ست: یبده بعلفھا اذا نزل؛ و یرعرض علیھا الماء اذا مر به؛ و لا یضرب و جھھا، فانھا تسبح بحمد ربھا؛ و لا یقف علی ظھرھا الا فی سبیل اللہ عز و جل؛ و لا یحملھا فوق الطاقه؛ و لا یكلّفھا من المشی الا ما تطیق» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷ و همو، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۰ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۰۱، ح ۱ و ۲، ص ۲۱۰، حدیث ۱۶ و حر عاملی، فصول المهمه، ج ۳، ص ۳۴۸، ب ۷۵، ح ۳۰۷۷).

(۱-). محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۲۴.

۳. «انس بن مالک قال أن النبی ﷺ قال: ... ثم قال: یجب علی مالک الدواب، علفھا و سقیھا لحرمة الروح» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۷، پ آخر).

اسب‌ها خیر نوشته شده، حتی تا روز قیامت و کسی که در راه خدا به آن‌ها انفاق نماید، مانند دست صدقه دهنده‌ای است که هرگز از صدقه دادن کوتاه نمی‌آید؛ یعنی دستِ بازی که هیچ گاه بسته نمی‌شود.^۱

رسول رحمت صلی الله علیه و آله می‌فرمود: موی پیشانی اسبان را نچینید، زیرا خیر در آن‌هاست. موی یال آن‌ها را مچینید، چون آن‌ها را گرم می‌نماید.^۲ دم آن‌ها را نچینید - کوتاه نکنید - زیرا پشه پران آن‌هاست.^۳ و آن حضرت باز فرمود: خدا و ملائکه‌اش بر صاحبان اسبان، درود می‌فرستند.^۴ هم‌چنین ضمن روایت دیگری نیز فرمود: کسی که اسبی را برای رضای خدا به استراحتگاهش ببرد و به او آب و علف بدهد و جایش را جارو نماید، در تروازی اعمالش در روز قیامت محاسبه می‌شود و پاداش دارد.^۵ تمیم دارمی را دیدند که خودش جو اسبش را پاک می‌کند، به او گفتند: چرا نمی‌گذاری تا دیگران این کار را بکنند؟ گفت: از پیغمبر اسلام شنیدم که فرمود:

مردی نیست که خودش برای اسبش جوها را پاک کند مگر آن که خداوند به هر حبه‌ای، حسنه‌ای برایش می‌نویسد.^۶

۱. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الخیل معقود بنواصیها الخیر الی یوم القیامة والمنفق علیها فی السبیل الله کالباسط یده بالصدقة لا یقبضها...» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵ - ۱۸۶ و مکارم الاخلاق، ص ۱۳۸ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۵۹، ح ۱ و ص ۱۷۳، ح ۲۴ و نیز ثواب الاعمال، ص ۱۰۳ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۶۷، ح ۱۱ و ص ۱۷۶، ح ۳۶. نیز رک: همان، ص ۱۶۸ ح ۱۴ - ۱۷؛ ص ۱۷۵، ح ۳۲ و نیز رک: کمال الدین دمیری، همان، ج ۲، ص ۲۱۸ و ابن اثیر، همان، ج ۲، ص ۳۶۴ و ج ۵، ص ۳۲۶).

۲. این یال، در تابستان نیز سایه بان گردن اسب‌ها می‌باشد.

۳. «روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنه قال: لا تجزوا (لا تقصوا) نواصی الخیل و لا أعرافها و لا أذناها؛ فان الخیر فی نواصیها و ان أعرافها دفءها و أذناها، مذبأها» (مکارم الاخلاق، ص ۱۳۸ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۷۳، ح ۲۵ و ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۳۵۲ و ۳۶۳).

۴. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله و ملائکته یصلون علی أصحاب الخیل...» (نوادر راوندی، ص ۳۲ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۷۴، ح ۲۹).

۵. «عن علی علیه السلام قال: أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: الخیل معقود بنواصیها الخیر الی یوم القیامة؛ و من ارتبط فرساً فی السبیل الله کان علفه و وروثه و شرابه فی میزانه یوم القیامة» (مجالس ابن‌الشیخ ص ۲۴۴ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۶۵، ح ۹).

۶. «و روی أن تمیما الداری کان ینقی شعیراً لفرسه - و هو أمیر علی بیت المقدس - فقیل له: لو کلفت هذا

رعایت حقوق حیوانات، هنگام سواری و بارکشی با آن‌ها

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره حیوان‌های سوزاری (مَرکب)، دستورات ویژه‌ای صادر فرموده‌اند، مانند مهربانی کردن با آن‌ها، نخواستن سرعت بیش از حد توان، بار نکردن بیش از حد قدرت آن‌ها، عبور ندادن از راه‌های صعب العبور، پیاده شدن در گردنه‌های سخت، عدم تشکیل جلسه و سخنرانی نکردن بر پشت آن‌ها، بهره‌منده کردن آن‌ها از علف زارهای بین راه، نگاه نداشتن در زمین‌های بی علف، آب و علف دادن به حیوان‌ها بعد از رسیدن به مقصد و در طول طریق. گفتنی است در ادامه به برخی از دستورات آن حضرت در این زمینه اشاره می‌کنیم.

(۵۱)

رسول رحمت، به راکب حیوان‌ها می‌فرمود: به طور ناموزون و نامناسب، بر حیوان‌ها سوار نشوید، و هنگام سوار شدن، پشت آن‌ها را مجلس خود قرار ندهید؛^۱ یعنی در حالی که ایستاده‌اند، هم‌چنان بر پشت آن‌ها سوار نشوید و مشغول سخن گفتن باشید، بلکه پایین بیایید. پیامبرگرامی اسلام در بیان دیگری نیز فرمود: پشت حیوان‌ها را مانند صندلی و کرسی سخنرانی قرار ندهید، آن هنگامی که در کوچه و خیابان با هم صحبت می‌کنید، زیرا چه بسا مرکوبی که بهتر از راکبش است و بیش‌تر از او، خدا را ذکر می‌نماید.^۲

سفارش همیشگی آن جناب این بود که می‌فرمودند: پشتِ رهواران (مرکبان) را هم چون منبر سخنرانی قرار ندهید! خداوند آن‌ها را برای شما تسخیر کرده تا شما را در راه‌های سخت به منزل برساند. [پیاده شوید و] بر روی زمین، با هم سخن بگویید.^۳

عبرک؟ فقال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله - يقول - من نَقَى شعيراً لفرسه ثم قام به حتى يعلفه عليه، كتب الله له بكل شعيرة حسنة» عن مالك بن أنس - انه قال: رباط يوم في سبيل الله خير من عبادة الرجل في أهله ثلاثمائة وستين يوماً، كل يوم ألف سنة» (كمال الدين دُمَيْرِي، همان، ج ۲، ص ۲۱۱ و علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۷۷).

۱. «أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تتوذكوا على الدواب ولا تتخذوا ظهورها مجالس» (كلینی،

الکافی، ج ۶، ص ۵۳۹ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۴، ح ۲۳).

۲. «عنه عليه السلام: اركبوا هذه الدواب سالمةً و اذعروها سالمةً و لا تتخذوها كرايسی یا حداديشكم فی الطريق و الأسواق؛ قرب مرکوبه خير من راکبها و أكثر ذکر الله تبارک و تعالی منه» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۳، حدیث ۲۴۹۵۷ و محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۱۹).

۳. «أن النبی صلی الله علیه و آله قال: آیاکم أن تتخذوا ظهور دوابکم منابر؛ فان الله تعالی انما سخرها لكم لتبلغکم الی بلدٍ لم

هم چنین در دستور دیگری خطاب به راکب حیوان‌ها، فرمود: در حق این حیوانات زبان بسته، از عذاب خدا بترسید؛ بر سواری آن‌ها، به طور شایسته‌ای سوار گردید و حلال آن را نیز به گونه‌ای شایسته بخورید! و ذبح کنید. چاقی آن‌ها را بخورید.^۱

هم چنین در سفارشی دیگر، در باره کیفیت راه و مسیر حیوان‌ها فرمود: هرگاه یکی از شما بر حیوانی سوار شد، آن را از راه‌های هموار و آسان ببرد، و آن را به راه‌های دشوار و سخت نکشانند!^۲ نیز در روایتی دیگر فرمود:

کسی که در گردنه (سربالایی) از رهوار (مَرکب) خود پیاده شود و پشت سر آن راه برود، همچون کسی است که بنده‌ای را در راه خدا آزاد کرده باشد.^۳

طبق گزارش جابر، آن حضرت علیه السلام از سوار شدن سه نفره بر یک حیوان، نهی فرمود.^۴ ضمن حدیث دیگری نیز فرمود: سه نفری بر یک حیوان، سوار نشوید، زیرا در این صورت، یکی از آنان لعن شده است، و آن، نفر جلویی می‌باشد.^۵

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره کیفیت بار کردن حیوان، فرمود: بار حیوانات را عقب‌تر بگذارید، زیرا اگر جلو باشد، به دلیل فاصله نزدیک دستانشان که مانع از راه رفتن - در صورت سنگینی بار - است و نیز محکم بودن پایشان نمی‌توانند خوب راه بروند.^۶

تكونوا بالفيه الا بشق الأنفس؛ وجعل لكم في الأرض مستقراً فاقضوا عليها حاجتكم» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۹ - ۲۲۰؛ متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۴، حدیث (۲۴۹۶).

۱. قال صلی الله علیه و آله: «اتقوا الله في هذه البهائم المعجمة؛ فاركبوها سالحةً وكلوها سالحةً»؛ و ايضاً قال صلی الله علیه و آله: «اتقوا الله في هذه البهائم؛ كلوها يسماناً و اركبوها سالحةً» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۲، حدیث ۲۴۹۵۱ و ص ۶۷، حدیث ۲۴۹۸۰).

۲. قال صلی الله علیه و آله: «إذا ركب أحدكم الدابة، فليحملها على ملأها» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۲، حدیث ۲۴۹۵۲).

۳. قال صلی الله علیه و آله: «من مشى عن راحلته عتقة، فكأنما أعتق رقبة» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۹، حدیث ۲۴۹۹۲).

۴. «روى الطبرانی عن جابر - رض - أن النبي صلی الله علیه و آله نهى أن يركب ثلاثة على الدابة» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۹).

۵. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله في حديث طويل: لا يرتد ثلثة على دابة؛ فان أحدهم ملعون و هو مقدم» (علامه حلی، علل الشرایع، ص ۱۹۴؛ شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۴۹ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۰۳، ح ۴؛ متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۶، حدیث ۲۴۹۷۲ (الثالث، ملعون) و محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۲۳).

۶. «قال النبي صلی الله علیه و آله: أخزوا الأحمال فانَّ الیدین معلقة و الرجلین موقفة» (شیخ صدوق، من لا يحضره

آن پیامبر مهربان، درباره کیفیت راه بردن حیوان‌ها در مسیر سفر می‌فرمود:
هرگاه هنگام سفر از سرزمین سرسبزی که علف خوب دارد، عبور می‌کنید، شتران
را از زمین، بهره‌مند سازید (و بگذارید که حیوانات بچرند و سیر شوند)، اما وقتی از
سرزمین بی‌آب و علفی عبور می‌کنید، توقف ننمایید و با سرعت خود را به سرزمین
خوبی (سرسبزی) برسانید.^۱

پیامبر اعظم ﷺ در مورد مدارا و مهربانی کردن با حیوانات، فرمود:

خدا، مدارا کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می‌کند. پس هرگاه بر
چارپایان لاغر سوار شدید، آن‌ها را در منزل‌هایشان فرود آورید! اگر زمین خشک و
بی‌گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید، و اگر سرسبز و پر علف بود، آن‌ها در آن‌جا
استراحت دهید.

و فرمود:

هر زمانی که مسافرت کردید و مرکوب شما، حیوان بود، بعد از آن که از حیوان پیاده
شدید، اولین کاری که می‌کنید آب و علف دادن به آن حیوان است.^۲

پیامبر خاتم ﷺ، در بیانی ظریف که حاکی از نهایت رحمت و رأفت اوست، فرمود:
اگر از شما به خاطر آن چه بر سر حیوانات آورده‌اید، چشم‌پوشی شود، به یقین
بسیاری از لغزش‌های شما آمرزیده می‌شود.^۳

رسول خدا ﷺ از جایی می‌گذشت، شتری را دید که بر در منزل، دستش بسته شده
است، بدون آن که آب و علفی، جلو آن گذاشته باشند! آن پیغمبر رحمت فرمود:

الفقه، ج ۲، ص ۱۹۱ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۵، ح ۲۵ و متقی هندی، همان،
ج ۹، ص ۶۲، حدیث (۲۴۹۵۰).

۱. قال ﷺ: «إذا سرتم فی أرض خصبة فأعطوا الدوابَّ حظَّها و ان سرتم فی أرضٍ مُدبة فانجوا علیها؛ و
إذا عرستم فلا تعرسوا علی القارعة الطریق، فانَّها مأوی کل دابةٍ». عزستم: التعریس؛ نزول المسافر آخر اللیل
نزلة للنوم و الاستراحة (النهاية)، ج ۵، ص ۱۶۶؛ متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۳، حدیث (۲۴۹۵۶).

۲. قال رسول الله ﷺ: «ان الله تبارک و تعالی یحبُّ الرِّفق و یعین علیه. فاذا ركبتم الدوابَّ الیجاف فانزلوها
منازلها؛ فان كانت الارض مُجدبةً

فانجوا علیها و ان كانت مُخصبةً فانزلوها منازلها. - و ایضاً قال ﷺ - من سافر منکم بدابة، فالیبدء حین
ینزل بعلفها و سقیها» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج
۶۴، ص ۲۱۳، ح ۲۱ و محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۱۸).

۳. قال ﷺ: «لو غفرَ لکم ما تأتون الی البهائم، لغفرَ لکم کثیراً» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۶، حدیث
۲۴۹۷۳ و محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۴، ح ۴۵۲۰).

أین صاحب هذه الراحلة؟ ألا تتقى الله فيها؟ صاحب این حیوان کجاست؟ آیا از عذاب الهی نمی ترسی به خاطر این رفتاری که با این حیوان کرده ای؟! یا آب و علف او را تدارک ببین و برایش مهیا کن، و یا آن را آزاد گردان تا خودش چیزی برای خوردنش بیابد.^۱

پیامبر اسلام و نهی از به جان هم انداختن و داغ کردن حیوانات

پیامبر اعظم ﷺ توصیه ها و رهنمودهایی نیز در نهی از به جان هم انداختن حیوانات، داغ کردن آن ها و حمل بار به صورت نامناسب بر پشت آن ها، ایراد فرموده است که نمونه هایی از آن ها را در ادامه می آوریم.

ابن عباس می گوید: رسول رحمت ﷺ از به جنگ انداختن حیوان ها و پرندگان نهی فرمود، همان طور که رسم مردم است که قوچ و خروس و غیره را به جان هم می اندازند،^۲ البته مگر برانگیختن سگ برای شکار باشد.^۳ در روایتی دیگر فرمود:

خدای تعالی لعن نموده کسی را که حیوان ها را به جان هم می اندازد تا با هم بجنگند.^۴

بنابر روایات متعددی، پیامبر رحمت ﷺ حتی از داغ کردن صورت حیوان ها نهی کرده^۵ و نیز فرمود:

به صورت حیوانات نزنید، چون هر موجودی، تسبیح گوی خداست. صورت آن ها

۱. قال ﷺ: «أین صاحب هذه الراحلة؟ ألا تتقى الله فيها؟ أما أن ترسلها؛ حتى تبتغي لنفسها» (متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۷، حدیث ۲۴۹۸۳).
۲. أن النبی ﷺ «نهی عن تحریش بین البهائم و التحریش الاغراء و تهییج بعضها علی بعض كما یفعل بین الکباش و الدیوک و غیرها» (کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۷۱).
۳. «نهی رسول الله ﷺ عن تحریش البهائم الا الکلاب؛ ای الکلک علی الصید» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۲۷، ح ۱۷؛ محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۸، ح ۴۵۴۰ و متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۶، حدیث ۲۴۹۷۴).
۴. قال ﷺ: «ان الله تعالی لعن من یحرش بین البهائم» (کمال الدین دُمیری، همان، ج ۲، ص ۳۷۱).
۵. «نهی رسول الله ﷺ عن الوسم فی وجوه البهائم» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۲۷ و ج ۷۶، ص ۳۳۱ و متقی هندی، همان، ج ۹، ص ۶۶، ح ۲۴۹۷۹؛ ص ۶۸، حدیث ۲۴۹۸۶ تا ۲۴۹۸۹).

را داغ ننمایند، زیرا چه بسیارند مرکوب‌هایی که از راکبشان بهترند و بیش‌تر مطیع خدایند و بیش (از کسی که بر آن‌ها سوار است) خدا را یاد می‌کنند!^۱

نوشته‌اند که شتر حکم بن حارث از جا بر نمی‌خاست و او نیز آن را می‌زد. پیامبر به او فرمود: شتر را نزن! و به شتر گفت: «حُلُّ حُلِّ!» شتر از جا برخاست.^۲

سواده بن ربیع نزد پیامبر ﷺ آمد. حضرت، چند شتر به او بخشید و فرمود:

وقتی پیش اهل خود رفتی، به ایشان امر کن تا غذای چارپایان را خوب بدهند، و ناخن‌ها را بگیرند تا هنگام دوشیدن، پستان آن‌ها را خراش ندهند و زخم نمایند.^۳

(۵۵)

حقوق حیوان‌ها از دیدگاه اسلام و حقوق بشر در غرب

اکنون که دیدیم پیغمبر اسلام هم در بُعد نظری و هم عملی، درباره حیوانات و حقوق آن‌ها اوامر و نواهی خاصی دارد، این دو مکتب را با هم مقایسه کنیم؛ یعنی حقوق حیوان را در نظر پیامبر اعظم با حقوق بشر در مکتب غرب.

آیا پیامبری که چنان دستوراتی - که گذشت - درباره حیوانات می‌دهد و از کشتن پرنده و آزردن جوجه آن جلوگیری می‌کند و از آتش زدن لانه موری نهی می‌نماید و ناراحت می‌شود، تروریست است؟ اما غریبان مدعی حقوق بشر که انسان‌ها را

۱. جعفر بن محمد عن آبائه رضی الله عنه قال: نهی النبي ﷺ عن ضرب وجوه البهائم و نهی عن قتل النحل و نهی عن الوسم فی وجوه البهائم» (شیخ صدوق، مجالس الصدوق، ص ۲۵۵ و همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۵، ح ۲۸ و ۲۲۷، ح ۱۹).

- «عن ابی سعید خدری أن النبي ﷺ قال: لا تضربوا وجوه الدواب، فان كل شیء یستیح بحمده» (علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۱۷).

- «عن جعفر بن محمد عن أبیه رضی الله عنه قال: نهی النبي ﷺ عن توسم البهائم فی وجوهها و أن یضرب وجوه البهائم؛ فانها تستیح بحمد ربها» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۴ به نقل از: علامه مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۲۸، ح ۲۵).

- قال علی رضی الله عنه: «نهی رسول الله ﷺ أن توسم الدواب، فرب دابة مرکوبة خیر من راکبها و أطوع لله تعالی و أكثر ذکراً» (نوادیر راوندی، ص ۱۴ - ۱۵ به نقل از: همان، ج ۶۴، ص ۲۱۰، ذیل ح ۱۶).

- قال رضی الله عنه: لا تضربوا الدواب؛ فانها تستیح بحمد الله (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۳۸ به نقل از: محمدی ری شهری، همان، ج ۳، ص ۱۳۴۶، ح ۴۵۲۸).

۲. ابن اثیر، همان، ج ۲، ص ۳۱ به نقل از: همان، ص ۴۸۴.

۳. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۸ و ۱۸۴.

می‌کنند!^۱ از رسیدن انسانی به بیمارستان، که به دست خودشان زخمی شده است جلوگیری می‌نمایند! افزون بر همه این‌ها، پس از آن‌که انسان‌ها را به خاک و خون کشیدند، کلیه و قلب و اعضایش را بریده و به تاراج و تجارت می‌برند! عجب حقوقی و عجیب مدعیان حقوق بشری!

لکه‌های ننگین دامن آنان از شهر خویش فراتر رفته و از دور، نمایان است. نمونه آن، تجاوز دسته جمعی نیروهای اشغال‌گر امریکا و متحدانش به زنان و دختران ژاپن و محمودیه عراق و... است! تجاوز به زنان از سوی این مدعیان، بیش از آن است که در وهم بگنجد! طبق اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۳ که به احصای خشونت علیه زنان پرداخته، فهرست آن تجاوزها، چنین است:

۱. خشونت فیزیکی، جنسی یا روانی، چه در داخل و چه در داخل خانواده‌ها و چه در جامعه که شامل ضربات منجر به جرح، بدرفتاری‌های جنسی نسبت به کودکان و جنس مؤنث، خشونت نسبت به اموال زن، خشونت‌های زناشویی و...
۲. خشونت‌های غیر زناشویی، ۳. خشونت‌های مربوط به بهره‌کشی، ۴. آزار جنسی و...، ۵. قوادی، ۶. روسپی‌گری، ۷. خشونت‌های ناشی از اعمال حاکمیت دولت...^۲

نتایج یک مطالعه میدانی در کانادا حاکی است که:

در کانادا بر روی یک نمونه ۴۲۰ نفری زنان نشان داد که ۴۵٪ آن‌ها حداقل یک تجربه ناخواسته، قبل از شانزده سالگی داشته‌اند و ۵۱٪ هم بیان کرده‌اند که قربانی آدم ربایی شده‌اند. در ۲۵٪ موارد، زنان قربانی که دچار بدرفتاری شده‌اند، از سوی مردان مورد بحث به مرگ هم تهدید شده‌اند.^۳

این تجاوز به حقوق زنان در کشورهای غربی و اروپایی صورت گرفته است؛ تازه این آمار، مربوط به بیش از یک دهه گذشته می‌باشد و اگر الان آمار بگیرند و با جوامع آماری جدید، مانند آن چه آنان در افغانستان، عراق و... مرتکب شده‌اند و می‌شوند، آن را پردازش کنند، آبرو و حیثیتی برای غرب نمی‌ماند.

۱. در حالی که رسول رحمت، از گرفتن نان (ریوده شده خودش) از دهان گوسفند، نهی می‌فرمود.

۲. ر.ک: «سیاحت غرب»، ماهنامه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، سال سوم، شماره سی و

پنجم، خرداد ۱۳۸۵، ص ۸۲.

۳. همان، ص ۸۲.

خشونت‌هایی که در جریان جنگ‌ها رخ داده و می‌دهد، بسیار رواج دارد و عجیب است. «طبق یک بررسی که توسط اتحادۀ اروپا صورت گرفته است، بیست هزار زن در بوسنی در یک ماه، مورد خشونت صرب‌ها قرار گرفتند [و هشت هزار نفر از مسلمانان را کشتند تا نسلشان را براندازند]...»

در کانادا، ۶۲٪ زنان از سوی شوهرانشان مورد بدترین رفتارها قرار گرفته‌اند... در مکزیکو، تحقیقی که روی ۳۴۲ نفر از زنان صورت گرفت، ۲۰٪ زنان کتک خورده، از ضربه ناحیه شکم، دچار سقط جنین یا دردهای مزمن شده‌اند. مطالعه در مورد سلامتی زنان دچار خشونت در بعضی از کشورهای دیگر به شرح زیر است: در ایالات متحده آمریکا، یک پنجم زنان بزرگسال قربانی خشونت و تجاوز شده‌اند؛

در پرو ۷۰٪ جرایمی که به پلیس اعلام شده است، مربوط به زنانی است که توسط شوهرانشان به شدت کتک خورده‌اند؛

در نروژ ۲۵٪ زنانی که دچار امراض زنان شده‌اند، متحمل آزار و خشونت‌های شریک جنسی شان شده‌اند.

بر اساس تحقیقی که در آمریکا در مورد خشونت‌های خانوادگی صورت گرفته، ریشه خشونت‌ها را اعتقادات و فرهنگ اعلام کرده‌اند؛ زنی که برنده جایزه نوبل در صلح بود، در تفسیر رفتار شوهرش می‌گوید:

او شوهر خوبی است، چون فقط هفته‌ای یک بار مرا کتک می‌زند. «شوهر قبلی، همچون وزنه‌ای، تمام عصرها بالای سرم بود، طوری که هر لحظه آرزوی مرگ می‌کردم؛ یک روز که موفق شدم به طبقه همکف (جایی که دخترم آن‌جا بود و از من کمک خواست) بروم، شوهرم با چاقو به سمت من حمله ور شد، آن قدر شدید که تیزی چاقو در تمام ناحیه شکم فرورفت. او مرا از حس بینایی و چشایی محروم کرده است. از این که خانواده‌ام را ببینم معذورم و از فرزندانم دور افتاده‌ام. این شخص که خواست نامش فاش نشود، در مقابل یک گروه مطالعه خشونت علیه زنان در آمریکا شهادت داد. او یکی از هزاران قربانی خشونت است که باید با نشانه‌های فراوان روی بدنش و ترس جاویدان، زندگی کند.^۱

اما اسلام، زن را گلی خوشبو معرفی می‌کند، نه قهرمان: «المرأة ريحانة، لیست بقهرمانه»^۱.

پیغمبر اسلام، از سلی زدن به صورت اسب و اخته کردن آن، خراش زدن صورت الاغ و داغ کردن صورت حیوان‌ها جلوگیری می‌نماید و داغ‌کننده را مورد لعن خود و خدا قرار می‌دهد، در صورتی که مدعیان حقوق بشر، کارهایی با بشر مظلوم می‌کنند که اسلام آن‌ها را نه در حق انسان، بلکه در حق حیوان هم روا نمی‌دارد، حتی از بیان آن هم شرم دارد! مگر ندیدیم که نیروهای امریکا و همراهانش در زمان تجاوز به سومالی چه کردند! یکی از هزاران کارشان این بود که مخالفان‌شان را در آن کشور می‌گرفتند و بر بالای آتش قرار می‌دادند.^۲

رسول رحمت ﷺ از «مُثله کردن» و «اخته نمودن» حیوانات نهی فرموده و عاملان این اعمال را لعنت کرده است، اما مدعیان حقوق بشر، بشر را مُثله می‌کنند. گزارش‌ها حاکی است که در عراق، اعضای بدن افرادی که به دست اشغال‌گران انگلیسی و امریکایی، زخمی و کشته شده‌اند، به وسیله پزشکانی که در میان نیروهای اشغال‌گر وجود دارند به امریکا فرستاده می‌شود تا در آن کشور، تجارت شود! این است معنای بشردوستی و دموکراسی و حقوق بشر؟! آیا اینان تروریست نیستند، اما پیامبری که مثله‌کنندگان حیوان را هم لعن فرموده، تروریست است؟! پیامبر اسلام، از گرفتن پرکاهی از دهان مورچه منع می‌کند، چه رسد به کشتن آن، در حالی که مدعیان حق بشر، تمام انسان‌های جوامع ضعیف را زیر پا له می‌کنند، ذخایر و منابع آنان را به غارت می‌برند و به منابع دیگر ملت‌ها چشم دوخته و چنگ و دندان تیز می‌کنند و نشان می‌دهند!

خاتم خوبان و پیغمبر اسلام با دست خود حیوان را نوازش می‌دهد و برای فراهم کردن لوازم رفاه آن‌ها، سفارش می‌کند، در حالی که مدعیان حقوق بشر، با دست خود و دیگران انسان‌ها را شکنجه می‌دهند و از کمک‌های بشردوستانه دیگران نیز

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، وصیت امیرمؤمنان علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام.

۲. تصویر این خبر را در این روزنامه می‌توان دید: روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۷۹۱۶، ص ۱۶،

ستون «روزنه»، ۲۴ آبان ۱۳۸۵.

جلوگیری می نمایند و تهدید به تحریم! از رسیدن کمک به محرومان و محتاجان بشر، جلوگیری می کنند!

رسول رحمت، از تیز کردن چاقو در حضور و جلو چشم حیوان و نیز از سر بردن حیوانی در مقابل حیوان دیگر نهی می کند، در صورتی که مدعیان حقوق بشر غربی، بچه را در مقابل چشمان پدر و مادرش سر می برند و شکنجه می دهند؛ دیگر بی شرمی ها بماند!

پیامبر رحمت، از شکار کردن در ایام تولید مثل، نهی می فرماید، اما مدعیان حقوق بشر، به حریم و حرم مردم هجوم برده و آدم و بنی آدم را شکار می نمایند! محفل عروسی شان را به مجلس عزا تبدیل می کنند و چه بارها و فشارهای فوق طاقت را که بر بشر بار نمی کنند!

پیغمبر مهربان اسلام، از بیرون کشیدن پرنده هنگام شب از آشیانه و لانه اش نهی نمود، هم چنان که امر می فرمود تا پرندگان پر در نیاورده اند، به سراغ آن ها نروند و هرگز نباید شبانه خواب را بر آن ها و مادرانشان حرام کرد و نباید بین آن ها و مادرانشان جدایی انداخت و نباید با این کار، مادرانشان را حیران ساخت. ایشان، از ربودن بچه پرندگان به دست شکارچیان نهی فرمودند، در صورتی که مدعیان انسان دوستی، افراد را شبانه از خانه اش می ربایند و ناپدید و نابود می سازند! امثال امام موسی صدرها، کجایند؟! تصویب ترورهای دولتی و آدم ربایی ها چرا؟! قانونی کردن شکنجه های وحشیانه به وسیله مدعیان حقوق بشر (شیطان بزرگ) چرا؟!!

پیامبر اسلام ﷺ از کشتن قورباغه نهی فرموده است و جریمه و کفاره کشتن آن را یک گوسفند قرار داده است. اما مدعیان حقوق و حیات بشر، برای کشتن بشر و رهبرانش، شاخ و شانه کشیده و نیروهای مخفی را مزدور می گیرند؛ به قاتلانی که یک - یا چند شهر پر از انسان های غیر نظامی و بی دفاع را با بمب های هسته ای می سوزانند و می کشند، مدال افتخار می دهند؛ یعنی نه تنها جریمه نمی کنند، بلکه جایزه جنایت کاری نیز می دهند؛ ناکازاکی و هیروشیما را فراموش نکرده ایم!

رسول رحمت، برای نهی از کشتن مورچه، دستور خاص داده تا مورچه ها را نکشند و اموالشان را به یغما نبرند، علاوه بر این، فرمان داده که نصف شب به بعد،

کمتر بیرون بروید، چون برخی موجودات و حشرات، شبانه بیرون می آیند و ممکن است در زیر دست و پای شما کشته شوند، اما غرب چه می کند! در روز روشن ترور! در روز روشن، تروریست مخفی می فرستد، آن هم برای بشر نه حیوان! با این وصف، آیا چنان پیامبری که درباره حیوانات چنان دستوراتی داده و خود عمل کرده و آن قوانین را خود با دست خویش اجرا نموده، تروریست است یا مدعیان دروغین حقوق بشر؟

نتیجه گیری

آن چه از سخن و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت حمایت از حقوق حیوانها گذشت، جلوه ای از رحمت و عطف او، حتی به حیوانات است. از این مجمل، مفصل بخوانیم که ارزش انسان از نظر او چه گونه است! و اینها نشان می دهد که اتهام خشونت به آن حضرت، اتهامی کاملاً بی اساس است.

رسول رحمتی که از آتش زدن لانه موربانه و به تاراج بردن اموال و دست رنج مورچه نهی فرموده و برای کشته شدن یک قورباغه، جریمه قرار داده، چنین رسولی، چه گونه دستور آزار و اذیت و کشتار انسانها را می دهد؛ هرگز چنین نبوده و نیست. نام او، نام جمله انبیاست و خاتم ایشان. نه تنها هر چه خوبان جهان دارد، وی یک جا دارد، بلکه بیش تر از تمام خوبان، خوبی دارد، به گونه ای که و اصف او، خالق عالم می شود و با القابی مانند «نبی رحمت»، «دلسوز مردم»، «رحمت برای جهانیان»، دارای «خلق عظیم» «رؤف و رحیم»، «دل نرم و مهربان و خوش اخلاق»، «رحمت برای تمام مردم»، «بهترین الگوی نظری و عملی» معرفی کرده و از ایشان یاد فرموده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن اثیر، اسد الغابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان، [بی تا].
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، لبنان - بیروت، انتشارات دار صادر، [بی تا].
۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، لبنان - بیروت، انتشارات دار صادر، [بی تا].

۶. احسائی، ابی جمهور، عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، تحقیق سید مرعشی و شیخ مجتبی عراقی، چاپ اول: قم، مطبعة سید الشهداء، ۱۴۰۳ ق.
۷. بیهقی، احمد، السنن الکبری، لبنان - بیروت، انتشارات دارالفکر، [بی تا].
۸. جلی عاملی، شهید زین الدین، روضه البهیة فی شرح لعمه الدمشقیه، چاپ هفتم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.
۹. جوزیه، شمس الدین محمد، الطب النبوی، بیروت، دارالوفاق، [بی تا].
۱۰. حرعاملی، شیخ محمد، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث، افست علمیه قم، ۱۳۴۶.
۱۱. _____ وسائل الشیعه، چاپ دوم: قم، چاپ مهر، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. _____ فصول المهمة فی اصول الائمه، تحقیق محمد قائینی، چاپ اول: قم، چاپ نگین، ناشر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. حرانی، ابی محمد حسن، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ هفتم: تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۹.
۱۴. دمیثری، شیخ کمال الدین، حیاة الحیوان الکبری، لبنان - بیروت، انتشارات دارالفکر، [بی تا].
۱۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق شیخ عادل احمد عبدال موجود، چاپ اول: لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. کتانی، سید محمد عبدالحی، نظام الحکومة النبویة (المسمى التراتیب الأداریه)، تحقیق عبدالله خالدی، چاپ دوم: لبنان - بیروت، شركة دارالارقم، [بی تا].
۱۷. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، انتشارات مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، لبنان - بیروت، دارالفکر، افست دارالطباعة العامر باستانبول، ۱۴۰۱ ق.
۱۹. نوری، حسین، «جامعیت اسلام» چاپ شده در: مجموعه مقالات خاتم پیامبران، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۴۸.
۲۰. سایت بازتاب، (دیدار دکتر احمدی نژاد با آیت الله جوادی آملی)، دی ماه ۱۳۸۴.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، المقنع، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ دوم: قم، انتشارات مؤسسه دارالحديث، ۱۳۷۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم: لبنان - بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. «سیاحت غرب»، ماهنامه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، سال سوم، شماره سی و پنجم، ۱۳۸۵.
۲۵. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، لبنان - بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه الطبعه، ۱۴۰۸ ق.